

## سیاست جنایی تقنینی ایران در قبال بزه‌دیدگی زنان

عاطفه لعلی<sup>۱</sup>، شهلا معظمی<sup>۲</sup>

<sup>۱</sup> کارشناسی ارشد حقوق، دانشگاه پیام نور مرکز، علوم تحقیقات و فناوری، تهران، ایران

<sup>۲</sup> دکترای حقوق، دانشگاه تهران، علوم تحقیقات و فناوری، تهران، ایران

### چکیده

نتیجه‌ی پژوهش‌ها و تحقیقات صورت گرفته به همراه تجربه‌ی کیفری نظام‌های تقنینی، نشان می‌دهد، زنان بیش از مردان در معرض بزه‌دیدگی قرار دارند، چرا که بر مبنای الگوی هزینه و فایده که در جرایم نیز صادق است، مجرمان تمایل بیش‌تری نسبت به قرار دادن زنان در جایگاه بزه دیده، به واسطه‌ی نیروی جسمانی و توان مقابله‌ی فیزیکی کمتر نسبت به مردان دارند. علیرغم این که در بسیاری از کشورها، اقداماتی در جهت مقابله با بزه‌دیدگی زنان و حمایت از ایشان صورت گرفته، اما هنوز ساختار قوانین جزایی عمدتاً بر مبنای نقش اجتماعی مردان و با توجه کمتری نسبت به زنان تدوین شده است و در این میان قوانین جنایی ایران، از این قاعده مستثنی نیست. گاهی بنا بر اصل برابری تفاوتی بین بزه‌دیده‌ی زن و مرد مشاهده نمی‌شود، در معدود مواردی با تبعیض مثبت به نفع بزه‌دیده‌ی زن روبرو هستیم و در برخی موارد، جنسیت زن، به عنوان بزه‌دیده، سبب محرومیت او از حمایت کیفری و نوعی تبعیض منفی علیه زنان می‌شود. این امر لزوم اتخاذ سیاستی یکپارچه در این زمینه را یادآور می‌شود. در موارد بسیاری نیز قانون‌گذار اصل برابری را رعایت کرده است. ولی، در مورد حمایت قانونی و ویژه از زنان بزه دیده در فرآیند کیفری، خلأهای فراوانی وجود دارد. زیرا، زنان بزه‌دیده در ایران از شرایط اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی مناسبی برای ورود به فرآیند کیفری و ادامه آن بهره‌مند نیستند.

**واژه‌های کلیدی:** بزه دیدگی، زنان، حمایت کیفری، سیاست جنایی.

**۱- مقدمه**

بزه دیدگی زنان در اغلب کشورها یکی از قلمروهایی است که سیاست جنائی ناگزیر به مداخله در آن و تنظیم برنامه ای ویژه در قبال آن شده است. زنان به عنوان افراد بالقوه آسیب پذیرتر از مردان، آماج های مطلوبی برای آنها محسوب می شوند. بالا بردن خطر ارتکاب جرم بر روی زنان از طریق بالا بردن هزینه کیفری ارتکاب جرم می تواند در فرآیند گزینش آنها توسط بزه کاران تأثیر گذاشته و در نتیجه ضریب بزه دیدگی زنان را کاهش دهد؛ بنابراین اتخاذ یک سیاست کیفری افتراقی از طریق ساز و کار جرم انگاری های ویژه و تشدید کیفر بزه کارانی که بزه دیده آنها یک زن است ضروری است. قانونگذار کیفری ایران نه تنها در قبال تعرضات مجرمانه علیه زنان از یک سیاست کیفری افتراقی منسجم و هماهنگ پیروی نکرده است، بلکه به واسطه حمایت کیفری کمتر از آن ها در قبال برخی جرایم علیه تمامیت جسمانی آن ها نظیر قتل، قطع عضو و جرح، زمینه های «بزه دیدگی» آن ها را از طریق کاهش هزینه کیفری ارتکاب جرم بر روی آن ها فراهم نموده است. با پیدایش جرم شناسی، توجه به مباشر جرم، یعنی شخص بزهکار رو به فزونی گذاشت و نهادهای مختلفی در حقوق جزا بر اساس توجه به شخص بزهکار تأسیس شد (نهادهایی همچون آزادی مشروط، تعلیق اجرای مجازات و ...). هنوز از تولد جرم شناسی بیش از یک سده نگذشته بود که تلاش های جرم شناسان در جهت علت شناسی جرم منجر به پیدایش رهیافت جدیدی در علت شناسی جنایی شد. این رهیافت پژوهش های خود را متوجه کنشگر دیگر بزهکاری یعنی بزه دیده معطوف ساخت. مطالعه نقش بزه دیده و جایگاه حمایتی اختصاص یافته به آن در سیاست جنائی ایران از یک طرف کمبودهای موجود در قوانین ایران در زمینه حمایت از انواع بزه دیدگان را آشکار می سازد و از طرف دیگر ضرورت پیش بینی تأسیسات ویژه ای را در این زمینه آشکار می سازد. از آنجائی که در این زمینه تحقیق جامع و مانعی صورت نگرفته است، بررسی همه جانبه و تحلیل منطقی جرم شناسانه و متکی به قانون در خصوص "سیاست جنائی تقنینی ایران در قبال بزه دیدگی زنان" ضروری می باشد. در این راستا سعی شده است هم از دیدگاه جرم شناسی و هم با توجه به قوانین مطروحه و جاری و با تکیه بر یافته های حقوقدانان و مصوبات مراجع قانون گذاری موضوع را مورد تحقیق و مطالعه قرار داده، سیاست جنایی ایران را از دیدگاه شکلی و ماهوی در قبال بزه دیدگی زنان بررسی کرده و تا حدی از راهکارهای جرم شناسان در زمینه پیشگیری نیز استفاده کرده است. پس اهداف پژوهش حاضر را می توان بدین صورت بیان کرد: ۱. بررسی جایگاه زنان بزه دیده در قوانین ایران و ۲. ارائه راهکارهای مناسب جهت کاهش نرخ بزه دیدگی زنان.

**۲- مبانی نظری**

در این قسمت به توضیح کلی مفاهیم اساسی این پژوهش پرداخته می شود:

**۲-۱ سیاست جنائی**

اصطلاح سیاست جنائی در کشورهای غربی، برای نخستین بار بیش از دو سده پیش توسط حقوقدانان آلمانی، از جمله فوئر باخ<sup>۱</sup> (در سال ۱۸۰۳ برابر با ۱۱۸۲ خورشیدی) و کلاینشرد<sup>۲</sup> در قالب واژه ی *Kriminalpoliti* وارد ادبیات حقوق کیفری شد. از نظر این حقوق دانان، موضوع سیاست جنایی مطالعه، تعیین و پیشنهاد وسایل مبارزه با بزهکاری به قانونگذار و مراجع مختلف دولتی است (لازرز، ۱۳۸۲). نتیجه همبستگی علم جرم شناسی و حقوق جزا، موجب پیدایی سیاست جنایی گردیده که بر اساس آن انتخاب روش صحیح برای مقابله با بزهکاری شکل می گیرد. از آنجایی که اهداف و جهت گیری نوین سیاست جنایی را نه فقط مبارزه با بزهکاری از طریق سرکوب آن، بلکه پیشگیری از وقوع جرم دانسته، اهمیت وجود هدف غایی موجب می شود، سیاست جنایی اهدافی را دنبال کند که دورترین و مهم ترین

<sup>۱</sup>. Anselm Von Feuerbach

<sup>۲</sup>. Kleinschrod

هدف سیاست جنایی تأمین صلح و آرامش و موازنه اجتماعی و همچنین شکوفائی شخصیت افراد است و این وظیفه بر عهده قوای دولتی و رهبران جوامع است که با اقدام در قلمروهای متعدد و بویژه در بخش های تقنینی و حقوقی، آن هدف را دنبال نمایند (لواسور، ۱۳۷۲).

## ۲-۱-۱ سیاست جنایی قانونی (تقنینی)<sup>۱</sup>

این سیاست را می توان به طرز تلقی و برداشتی که مقامهای قانونگذاری در قالب وضع و تصویب متون مختلف، از سیاست جنایی دارند و یا آنچه که قانونگذار به ما ارائه می کند، تعبیر نمود. مجموع متون حقوقی (اعم از کیفری و غیر کیفری)، در زمینه یک پدیده مجرمانه، که توسط مراجع قانونگذاری هر کشوری تدوین می گردند بیانگر سیاست جنایی تقنینی آن کشور در خصوص همان پدیده می باشد (آقازاده، ۱۳۸۱). سیاست جنایی تقنینی دارای تاریخ یکنواختی نیست، بلکه مسیرهای تلاقی و کنار هم گذاشته شده را دنبال می کند، دورنماها و تصویرهایی که سیاست جنایی در بر دارد خوشایند همان اشخاص تصمیم گیر و سیاست گذار آن نیست. خط سیرهای سیاست جنایی تقنینی، متلاقی، موازی و کنار هم و پر تلاطم و تصادف بوده است؛ و با این وجود، ایدئولوژی جنبش دفاع اجتماعی نوین یا ایدئولوژی نئوکلاسیسم<sup>۲</sup> متری از ۱۹۴۵ غالباً در گفتمان دولتی یا پارلمانی غالباً حضور داشته و مشهود بوده است. به طور کلی شیوه های مقابله با جرم را که در متون قوانین و مقررات کیفری متجلی است سیاست جنایی تقنینی مینامند، قانونگذار کیفری برای انشاء قوانین باید به روش های علمی و عملی مبارزه با جرم متوسل شود، زیرا حقوق کیفری علمی تحقیقی بوده و مطالعات مرتبط با آن باید دارای روشی شفاف و منطقی مخصوصی باشد. سیاست جنایی تقنینی باید متضمن حقوق و آزادی های فردی و اجتماعی و حامی منافع جامعه باشد (آخوندی، ۱۳۷۶). سیاست جنایی تقنینی باید در راستای نسخ قوانین کهنه و متروکه و وضع قوانین پویا و منطبق با تحولات جامعه انعطاف پذیر باشد. زیرا سیاست جنایی همراه با تغییرات اساسی جامعه و نظام سیاسی دستخوش تحول و یا تعدیل خواهد شد (عالمی، ۱۳۷۵).

## ۲-۲ بزه دیدگی

بزه دیده یکی از واژه های مرکبی است که از ترکیب یک اسم به نام "بزه" و پسوند صفت ساز "دیده" حاصل شده است. واژه "بزه" در فارسی به معنای گناه، خطا و تقصیر اعمال می شود. بر این اساس، بزه دیده شخصی است که علیه او گناه، خطا یا تقصیری رخ داده باشد. این واژه در هیچیک از مقررات و قوانین جزایی به کار نرفته است و مقنن، اغلب از معادل های عربی آن چون مجنی علیه، مصدوم و متضرر از جرم استفاده کرده است. به همین دلیل در برخی از آراء و نظرات شعب دیوان عالی کشور، واژه بزه دیده، استعمال شده است. دکتر معتمد در تعریف مجنی علیه می نویسد: "مجنی علیه عبارت است از مفعول جرم، یعنی آنکه جرم درباره وی انجام می پذیرد. وی ممکن است انسان باشد مثل اکثر جرائم از قبیل قتل و ایراد ضرب و ممکن است شخصیت حقوقی باشد مثل جرائم علیه امنیت کشور یا کلاهبرداری نسبت به یک شرکت تجاری یا اختلاس و مانند آن و مانعی ندارد که مجنی علیه جسد انسان باشد، نظیر ماده ۱۹۶ قانون مجازات عمومی و امکان دارد که حیوان باشد". استاد عبدالقادر عوده در تعریف مجنی علیه و اعتبار شرایط قانونی در مورد وی می نویسد: "مجنی علیه کسی است که جرمی علیه او - بر جان، مال یا یکی از حقوقش - واقع شده باشد. قانون احراز شرائطی چون اختیار و ادراک را که در مورد مجرم شرط می داند، در مورد مجنی علیه قائل نیست". با توجه به تعریف های ارائه شده و با ملاحظه مفهوم لغوی بزه دیده و با الهام از نگرش قانونگذار نسبت به بزه دیده، می توان در اصطلاح حقوق جزا، بزه دیده را چنین تعریف نمود: "بزه دیده یا مجنی علیه عبارت است از شخص یا اشخاص حقیقی یا حقوقی دارای حقی که به خاطر وقوع جرمی، مستقیماً حق یا حقوقشان مورد تعدی قرار گرفته باشد" (توجهی، ۱۳۷۷).

<sup>۱</sup>. Politique Criminelle Legislative

<sup>۴</sup>. Neo - classicisme

### ۳- روش پژوهش و فرضیات

در این تحقیق سعی شده است که با بررسی متون حقوق جزا و جرم‌شناسی و روانشناسی و جامعه‌شناسی و همچنین استفاده از منابع فقهی و استفاده از یافته‌های حقوق دانان و نیز قوانین موضوعه، موضوع تحقیق از زوایای گوناگون مورد بررسی و تحلیل قرار داده شود. چون برای حصول نتیجه و دستیابی به مباحث پر اهمیت موضوع مورد تحقیق، مطالعه دقیق و کنکاشی وسیع و فراگیر در کتاب‌های مختلف حقوقی و قوانین کیفری ماهوی و شکلی مسلم به نظر می‌رسد، لذا ملاحظه آراء و نظریات جرم‌شناسان و حقوق دانان حول مباحث مورد نظر و نیز بررسی کتب مختلف حقوق جزا و جرم‌شناسی و روانشناسی در ارتباط با آن ضرورت داشته که در اینجا از منابع و مآخذ مختلف جرم‌شناسی، حقوقی و تحلیل مطالب مورد بحث (منابع کتابخانه‌ای) با تحلیل و تفسیر منطقی استفاده شده است. بدون شک ماهیت موضوع و مسأله اصلی پژوهش می‌تواند آبخشور فرضیات آن باشد. در این پژوهش سعی شده است تا با بررسی منابع مختلف حقوقی، جرم‌شناسی به فرضیات ذیل پاسخ داده شود:

۱. بزه دیدگی زنان به معنی خاص آن مورد پذیرش قانونگذار ایران قرار نگرفته و زنان در موارد معدودی از نظام عدالت کیفری و حقوق جزا، به گونه‌ای محور وضع موادی چند از قوانین موجود هستند.
۲. جرائمی چون بهره‌برداری جنسی و هرزه‌نگاری، نه به عنوان بزهکاری بلکه در حیطه بزه دیدگی زنان مورد مطالعه قرار می‌گیرند.
۳. در حقوق ایران حمایت‌های به عمل آمده در قبال شقوق مختلف بزه دیدگی زنان بیشتر در قالب کیفری بوده است.
۴. حمایت تقنینی کیفری با توجه به نیازمندی‌های ویژه زنان، قانع‌کننده و کافی نیست.
۵. نگرش حمایتی قانونگذار داخلی نسبت به برخی از جرائم علیه زنان از نوع حمایت تشدید و در برخی از جرائم دیگر هم از نوع حمایت استقلالی است.
۶. در قوانین داخلی در مقایسه با اسناد بین‌المللی حمایت‌کننده، از بزه دیدگی‌های زنان حمایت کمتری به عمل آمده است.

### ۴- پیشینه پژوهش

در سال‌های اخیر تحقیقات جرم‌شناسان پیرامون موضوعات بزه دیدگان و سیاست جنائی به طرز چشمگیری رو به فزونی نهاده است، از اهم تحقیقات و پایان‌نامه‌های مزبور می‌توان به موارد ذیل اشاره داشت: ۱. عبدالعلی توجهی، جایگاه بزه دیده در سیاست جنائی ایران، رساله دکتری در رشته حقوق جزا و جرم‌شناسی، به راهنمایی روانشاد مهدی کی‌نیا و علی حسین نجفی ابرندآبادی، دانشگاه تربیت مدرس، تابستان ۱۳۷۷. ۲. حمید بختیاری، سیاست جنائی ایران در قبال اطفال بزه دیده، پایان‌نامه مقطع کارشناسی ارشد، به راهنمایی ایرج گلدوزیان، دانشگاه آزاد اسلامی - واحد اراک. ۳. مهرداد رایجیان اصلی، بزه دیده در فرآیند کیفری، پایان‌نامه مقطع کارشناسی ارشد، به راهنمایی علی حسین نجفی ابرندآبادی، دانشگاه شهید بهشتی، پائیز ۱۳۷۹. ۴. منوچهر خانی، بررسی مفاهیم بزه دیده‌شناسی در اسطوره‌های ایرانی، پایان‌نامه مقطع کارشناسی ارشد، به راهنمایی علی حسین نجفی ابرندآبادی، دانشگاه آزاد اسلامی تهران - واحد مرکز، تابستان ۱۳۷۶. ۵. حمید آخوندی، سیاست جنائی سازمان ملل متحد در زمینه حقوق بزه دیدگان، پایان‌نامه مقطع کارشناسی ارشد، به راهنمایی علی حسین نجفی ابرندآبادی، دانشگاه آزاد اسلامی - واحد تهران مرکز، ۱۳۷۵.

**۵- رویکرد قوانین ماهوی ایران نسبت به زنان بزه دیده****۵-۱ قانون اساسی**

قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران مبین نهادهای فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی جامعه ایران براساس اصول و ضوابط اسلامی است که انعکاس خواست قلبی امت اسلامی می باشد. در این قانون نیروی انسانی زن که در نظام طاغوتی در خدمت استثمار همه جانبه خارجی بود هویت اصلی و حقوق انسانی خود را باز می یابد و در این بازیابی طبیعی است که زنان به دلیل ستم بیشتری که از قبل متحمل شده اند ضرورت استیفای حقوق آنان بیشتر خواهد بود. در اصل دهم قانون اساسی، همه قوانین و مقررات و برنامه ریزی ها باید در جهت آسان کردن تشکیل خانواده، پاسداری از قداست آن و استواری روابط زن و مرد و فرزندان بر پایه حقوق و اخلاق اسلامی باشد. چرا که اسلام دین جامع و کامل است هیچ یک از ابعاد و تکالیف و حقوق و نیازمندی های بشر و جامعه بشری را بی پاسخ رها ننموده است. اصل سوم قانون اساسی، دولت جمهوری اسلامی ایران را موظف نموده حقوق همه جانبه افراد اعم از زن و مرد و ایجاد امنیت قضایی عادلانه برای همه و تساوی عموم در برابر قانون را تأمین نماید. زیرا امنیت افراد جامعه یکی از اصولی ترین ویژگی نظام حقوقی اسلام است. هم چنین بر رفع تبعیضات ناروا و ایجاد امکانات عادلانه برای زن و مرد، در تمام زمینه های مادی و معنوی تأکید دارد. حمایت از مادران به ویژه در دوران بارداری و حضانت فرزند و پشتیبانی از کودکان بی سرپرست وظیفه دیگری است که به دوش دولت گذاشته شده است. زنان ایرانی در استفاده از پوشش و گویش های بومی آزاد هستند و از جمله حقوق فردی زنان حق بهره مندی از محیط زیست سالم می باشند. زنان حق دارند از برنامه ها و تسهیلات بهداشتی و درمانی و خدمات مشاوره ای و آزمایش های پزشکی به منظور اطمینان کامل در ازدواج بهره مند گردند. حق بهره مندی زنان و دختران آسیب دیده جسمی، ذهنی، روانی و در معرض آسیب از امکانات توان بخشی مناسب و حق بهره مندی از تغذیه سالم خصوصاً در دوران بارداری و شیردهی از اولویت های حقوق اجتماعی زنان جمهوری اسلامی ایران بوده است. جایگاه زنان در بخش های آموزش و پرورش و پژوهش مورد توجه قانونگذار بوده و تحصیل در آموزش عالی تا بالاترین سطوح علمی و کسب مهارت ها و آموزش های تخصصی، حق پژوهش، تألیف، ترجمه و انتشار کتب و حضور فعال در مجامع فرهنگی و علمی داخلی و بین المللی برای زنان پیش بینی و منظور شده. حق و مسئولیت در تدوین برنامه های درسی و متون آموزشی و حق بهره مندی از حمایت در آثار علمی، پژوهشی زنان و گسترش مراکز تحقیقاتی با مدیریت زنان از نکات ارزنده قانونی مذکور است.

**۵-۲ قانون مجازات اسلامی**

به نظر می رسد قانونگذار در وضع قوانین و مقررات شیوه ای متشدد را به کار گرفته است، به گونه ای که اساساً طیف جرم انگاری ها ناظر به جرائمی با ماهیت خاص که اغلب، علیه ناتوانان ارتکاب می یابند، نبوده و به طور عمده فاقد نظام مندی و انسجام هستند. حتی در مواردی، قانونگذار در مورد یک جرم، دو روی کرد کاملاً متفاوت را اتخاذ کرده که حاکی از عدم موضع گیری آگاهانه و قاعده مند قانون گذار کیفی نسبت به جرائم ارتکابی علیه ناتوانان و نیز عدم شناخت صحیح قانون گذار از بزه دیدگان آسیب پذیر و نیازها و خواسته های آنان است. همچنین، قانون گذار حمایت کیفری خود را به صورت نظام مند به ناتوانان بزه دیده معطوف نکرده است، بلکه به طور پراکنده و سلیقه ای جرم انگاری هایی را به منظور حمایت از این بزه دیدگان انجام داده است. حتی در این موارد نیز جرم انگاری ها صراحتاً از سوی قانون گذار، ناظر به ناتوانان نبوده، بلکه به طور ضمنی و از مواد قانون مجازات اسلامی و با تفسیری مبتنی بر حمایت از بزه دیده می توان به مواد قانونی، صبغه ای بزه دیده محور بخشید. به نظر می رسد که حقوق کیفری ماهوی از لحاظ وضع قوانین کیفری مناسب به منظور حمایت از بزه دیده قصور ورزیده است و حتی در مواردی حمایت هایی تبعیض آمیز را در مقایسه با سایر تابعان حقوق کیفری اعمال کرده، به طوری که قانون گذار به آسیب پذیری بزه دیدگان توجه نکرده است.

### ۵-۳ قانون مدنی

امتیازات و حقوق زن در قانون مدنی عبارتند از: ۱. حق زن در تعریف دارایی خود: طبق ماده ۱۱۱۸ زن دارای استقلال اقتصادی است و می تواند به هرگونه دارایی خود را تصرف کند و این دارایی با اخذ نفقه منافاتی ندارد. ۲. حق زن در استفاده و اعمال شروط ضمن عقد: برابر ماده ۱۱۱۹ قانون مدنی، زن به هنگام عقد می تواند هر شرطی را که مخالف مقتضای ذات عقد نباشد بر مرد اعمال کند. ۳. حق فسخ نکاح در صورت جنون مرد (ماده ۱۱۲۱): جنون به سه دسته جنون آنی، ادواری و مستمر، تقسیم می شود. قانونگذار می گوید تفاوتی بین جنون مستمر یا ادواری نیست. ۴. حق زن در طلاق رجعی: در طلاق رجعی زن و شوهر باید به مدت سه ماه در یک منزل سکونت داشته باشند و مرد به زن نفقه بدهد؛ در این شرایط، در صورت فوت مرد، زن ارث می برد. چنانچه در این ایام مرد بخواهد زن دیگری اختیار کند حتماً باید با اجازه همسر اول یا دادگاه باشد. قانون مدنی، برای زنان امتیازاتی قایل شده است که عبارتند از: ۱. استحقاق نیمی از مهریه قبل از عروسی در صورت وقوع طلاق. ۲. حق زن در مهریه ازدواج موقت. ۳. حق زن در مسأله فسخ نکاح. ۴. حق زن در مسأله نفقه. ۵. حق زن در انتخاب محل سکونت. ۶. حق زن در ترک منزل شوهر در صورت خوف از ضرر جسمی، مالی یا شرافتی. ۷. حق زن در استفاده از حق حبس.

### ۶-۶ علل بزه دیدگی

مفهوم "بزهکار - بزه دیده" به مواردی اشاره دارد که فرد می تواند طی آن ها - بر حسب اوضاع و احوال - بزهکار یا بزه دیده شود. این موضوع ممکن است به صورت متوالی صورت گیرد. (مثلاً کودکی که مورد ضرب و شتم واقع شده و مورد آزار و اذیت قرار گرفته، به یک بزهکار تبدیل می شود) یا این که موضوع ممکن است به طور همزمان صورت گیرد (مثلاً کتک کاری، یا جرائم راهنمایی و رانندگی که در این موارد، فرد هم بزهکار است "مباشر جرم" و هم بزه دیده "متضرر از جرم"). مفهوم "بزه دیده پنهان یا بالقوه" که با مفهوم "بزه دیده مادرزادی" تفاوت دارد، بر استعداد فرد در قربانی و مجنی علیه شدن تأکید دارد (مانند تمایلات خودآزاری و خود تنبیهی). مفهوم "روابط خاص بزهکار - بزه دیده" شامل روابط متقابل بین مجرم و مجنی علیه می گردد (مانند روابط زن روسپی و فرد حامی و هوادار او، یا روابط فرزند و پدر در پدرکشی). بدین سان مجنی علیه، یک رکن و عنصر حیاتی در وضعیت مستعد ارتکاب جرم، به ویژه در وضعیت های خاص محسوب می شود. رابطه مجرم و بزه دیده، متأثر از عوامل زیست شناختی (مثلاً سن که غالباً اطفال و نوجوانان و سالمندان را آسیب پذیر می سازد، جنسیت که در حمله به زنان نقش مهمی دارد) و یا آسیب شناسی (که خطراتی را برای عقب ماندگان و ناقص العقل ها و معتادان به الکل به دنبال دارد) و عوامل اجتماعی (مانند مشاغل مختلف که خطرات متفاوتی را به همراه دارد) و وضعیت اجتماعی (که بیگانگان، مهاجران و اقلیت های نژادی و مذهبی را در یک کشور معین در معرض خطر جرم قرار می دهد) است. مکانیزم های واکنشی غالباً رابطه میان بزهکار و قربانی او را محقق و عملی می سازد. در دهه اخیر، قلمرو جدیدی به بزه دیده شناسی افزوده شده و آن "پژوهش های بزه دیدگی" است که هدفشان از یک سو، روشن کردن بخش تاریک یا رقم سیاه بزهکاری است و از سوی دیگر پی بردن به این موضوع است که چرا بعضی از شهروندان، جرائم متحمل را به مقام های صالح اعلام می کنند و عده ای دیگر از اعلام آن صرف نظر می نمایند، یا این که معمولاً از افشاء جرایمی در حضور مقام های پلیس و قضایی خودداری می شود (حاجی ده آبادی، ۱۳۸۵).

### ۶-۱ عوامل اجتماعی و روانی

در بحث علل و عوامل فردی بزه دیدگی، یکی از این علل و عوامل، وضعیت جسمی و توان جسمی و نیز توان روحی افراد است، وقتی می گوئیم که دوره کودکی دوره ضعف است این ضعف شامل ضعف جسمی، ضعف روحی و ضعف شناختی می باشد. کودکان به لحاظ جسمی قدرت فرار از دست بزهکاران را ندارند، به لحاظ روحی مجذوب بزهکاران می شوند و از این طریق طعمه آنها واقع می شوند، ممکن است از ترس شان تسلطی که دیگران بر این بچه دارند می تواند عاملی باشد که کودک را در

معرض بزه دیدگی قرار دهد؛ اما در مورد رابطه جنس و بزه دیدگی یک تصور این است که زن ها بیشتر بزه دیده هستند و مردها بیشتر بزه‌کار. بعضی ها معتقدند که جنس زن به لحاظ ذاتی به گونه ای است که بیشتر بزه دیده واقع می شود. ممکن است بزه دیدگی آنها به لحاظ ادراکی باشد و ممکن است بزه دیدگی آنها به لحاظ ویژگی های روحی و عاطفی بیشتر آنها باشد، زنها زودتر فریب می خورند و از این حیث طعمه بیشتر واقع می شوند. ممکن است بزه دیدگی بیشتر زنها به لحاظ وضعیت جسمی آنها باشد، چراکه معمولاً زنها قدرت بدنی ضعیف تری نسبت به مردها دارند. از جمله عوامل روانی بزه دیدگی "ضمنان نامطلوب اخلاقی" است، صفاتی همچون اعتماد افراطی، طمع، بخل، پول دوستی، بدگمانی و ... اینها چیزهایی است که فرد را در معرض بزه دیدگی قرار می دهد. در نقطه مقابل، سخاوت، احتیاط بجا، حسن ظن تا حد معقول و منطقی و... عواملی است که فرد را از بزه دیدگی نجات می دهد. نقش تجربیات گذشته فرد نیز بسیار مهم است، همچنان که در تئوری های روان کاوی به عنوان یک عامل بزه‌کاری مطرح شده. از جمله عوامل اجتماعی غیر آنچه که پیش از این بیان شد می توان به بحث "میزان مشارکت فرد در جامعه" و میزان حضوری که او در اجتماع و در بطن و بستر جامعه دارد اشاره کرد، کسانی که در انزوای اجتماعی بسر می برند، بیش از دیگران در معرض بزه دیدگی قرار دارند. به هر حال علل و عوامل بزه دیدگی منحصر به آنچه که گفتیم نیستند و موارد بسیار دیگری را شامل می شوند، شرایط اقتصادی، فقر، اخراج از کار، شیوه های زندگی، شب نشینی ها، در محله های خطرناک زندگی کردن و موارد دیگر که باید در جای خودش مورد بررسی قرار گیرد (حاجی ده‌آبادی، ۱۳۸۵).

## ۷- پیامدهای بزه‌دیدگی و حمایت از زنان بزه‌دیده

### ۷-۱ پیامدها و عواقب مادی و اجتماعی جرم

گاهی اوقات تأثیرات مادی و فیزیکی جرم نتیجه تأثیرات روانی جرم است و ممکن است مدتی طول بکشد تا این تأثیرات بروز کند. بنابراین، تشخیص ارتباط آنها با خود جرم و رابطه علیت امری دشوار است. تأثیرات فیزیکی که به دنبال ایجاد عواقب روانی برای بزه دیده رخ می دهد شامل عصبی بودن های مزمن و شدید و مشکلاتی در مورد ساعات خواب بزه دیده است. تأثیرات فیزیکی تنها در نتیجه مشکلات روانی بزه دیده نیستند، بلکه منتهی به مشکلات روانی برای بزه دیده نیز می شوند به ویژه هنگامی که اینگونه تأثیرات فیزیکی در بزه دیده مشهود بوده و نمود بیرونی دارند. پیامدهای اجتماعی جرم شامل عکس العمل های خانوادگی و وابستگی، محیط شغلی، رسانه های گروهی و نظام قضایی است. این عکس العمل ها منتهی به بزه دیدگی ثانوی شخص می شود. به واکنش مثبت اعضای خانواده و وابستگی بزه دیده نیاز است. تا بزه دیده با عواقبی که جرم برای وی به دنبال داشته، بهتر سازگار شود. واکنش دستگاه قضایی نیز تأثیر مهمی بر توانایی بزه دیده جهت غلبه بر پیامدها و عواقب جرم می گذارد. همچنین واکنش دستگاه قضایی در مشارکت بزه دیده با آن نیز تأثیرگذار است. اخذ اطلاعات از بزه دیده در مورد جرم ارتكابی برای دستگاه قضایی مهم است (سماواتی، ۱۳۸۴).

### ۷-۲ حمایت مالی و حقوقی

یکی از گونه های حمایت از بزه دیدگان، حمایت های مالی است که به دلیل ویژگی هایی که دارد آن را ساده ترین و برجسته ترین گونه ی حمایتی می توان دانست. حمایت مالی ترجمان جبران خسارت مادی از راه هایی مانند برگرداندن مال، پرداخت پول یا هزینه هایی که بزه دیده به دنبال رویداد جرم متحمل شده و نیز پرداخت غرامت از رهگذر دولت است (رایجان اصلی، ۱۳۸۱). به طور کلی جبران خسارت مادی ممکن است به دنبال آسیب بر خاسته از جرم به دارایی های بزه دیده باشد همچنان که ممکن است از آسیب های بدنی یا روانی وارد به بزه دیده سرچشمه بگیرد ولی درباره جبران آسیب های عاطفی گرایش برتری که به چشم می خورد بر آورد ناپذیری مطلق مالی آن ها است به همین جهت بسیاری از کشور ها اگر چه جبران آسیب های روانی را در کنار جبران آسیب های بدنی پذیرفته اند به ترمیم آسیب های عاطفی نپرداخته اند. در ایران جبران پذیری مالی خسارت های مادی پذیرفته شده است (ماده ی ۹ قانون مجازات اسلامی ۱۳۷۰ و ماده ی ۹ قانون آیین دادرسی دادگاه

های عمومی و انقلاب در امور کیفری (۱۳۸۷) ولی از خسارت های معنوی- دست کم در سطح سیاست جنایی تقنینی چند سال گذشته نامی به چشم نمی خورد. می توان گفت که نظام عدالت جنایی ایران همسو با اصول و معیار های پذیرفته شده در زمینه ی حمایت های مالی، جبران خسارت مادی را مبنای حمایت از بزه دیدگان نهاده است.

حمایت حقوقی عبارت است از پیش بینی ساز و کار هایی برای احقاق این حقوق و بر آورده کردن نیاز های بزه دیدگان به ویژه جبران خسارت و تسهیل آن در سراسر فرایند جنایی. از آن جا که این حقوق معمولاً در قوانین آیین دادرسی کیفری به رسمیت شناخته می شود از آن جا می توان به ساز و کار های مبتنی بر آیین دادرسی<sup>۱</sup> نیز یاد کرد. تدابیری مانند حق داشتن وکیل در سراسر فرایند جنایی، حق طرح دعوی ضرر و زیان و پیش بینی شرایط آن، حق در خواست پژوهش از دعوی ضرر و زیان، معاف دانستن بزه دیده از هزینه های دادرسی در صورت ناتوانی وی از پرداخت آن ها و... نمونه های برجسته ای از حمایت حقوقی مشخص برای بزه دیدگان به رسمیت شناخته شود، نمونه های پراکنده ای از این حمایت به چشم می خورد: برای نمونه ماده ی ۱۸۵ حق گزینش وکیل مدافع را برای هر دو طرف دعوی کیفری از جمله بزه دیده به رسمیت شناخته است، ماده ی ۱۹۱ نیز از حق در خواست بزه دیده برای تحقیق در دادگاه نام می برد، ماده ی ۱۹۶ این حق را به تحقیق از گواهان نیز گسترش می دهد، ماده ی ۲۳۹ بزه دیده یا وکیل یا نماینده قانونی او را یکی از اشخاص می داند که حق درخواست پژوهش دارند و سرانجام ماده ی ۳۰۱ حق در خواست معافیت بزه دیده از هزینه دادرسی را با شرایطی امکان پذیر دانسته است. حمایت حقوقی بخش مهمی از برنامه کمک به بزه دیدگان است که نه تنها به مقابله آنان با آسیب عاطفی، بلکه به شرکت فعال تر آنان در فرایند جنایی، به دست آوردن جبران خسارت و بطور کلی مقابله با دشواری هایی برخاسته از بزه دیدگی کمک می کند.

#### ۸- حقوق بزه دیدگان

بزه دیدگان در قبال عدالت، حقوقی دارند و حق آنها در مورد اینکه خسارت دیگری را به موجب فرآیندهای رسیدگی به جرم متحمل شوند، (بزه دیدگی ثانوی) باید رعایت شود. حقوق بزه دیدگان در قبال عدالت شامل این انتظار است که به طور مقتضی نسبت به جرم ارتكابی بزهکاران رسیدگی شده و در قبال اعمال خلاف قانونشان محکوم شوند. مشارکت بزه دیده در میانجیگری وی را از برآورده شدن انتظاراتش مطمئن می کند تا اینکه به پرونده به جای میانجیگری، از طریق فرآیند عادی عدالت مورد رسیدگی شود. مشارکت بزه دیدگان در میانجیگری همچنین سایر نیازهای آنها را تأمین کرده و منافی را برای آنها به همراه دارد که دادگاه هیچگونه توجهی به آنها نداشته و آنها را به رسمیت نمی شناسد. با این حال، این امکان نیز وجود دارد که حتی در میانجیگری چنین اتفاقی رخ نداده و بنابراین، بزه دیدگان در نهایت احساس کنند که متضرر شده اند. تضمیناتی نیز مانند آنچه که بزهکاران فوقاً ذکر شد، برای بزه دیدگان نیز در نظر گرفته شده است از قبیل تجدیدنظر خواهی و جلوگیری از اشتباهات قضایی خصوصاً در پرونده های شدید در مورد بزه دیدگی ثانوی مشارکت بزه دیده در هرگونه فرآیندی همواره به صورت داوطلبانه است. به این معنا که بزه دیدگان باید خودشان اجازه داشته باشند که تعیین کنند آیا منافع بالقوه ای که روند رسیدگی برای آنها دارد بیشتر از هزینه های احتمالی است یا خیر. جهت انجام چنین کاری لازم است که اطلاعات کامل و بی طرفانه ای در مورد منافع و ضررهای احتمالی، امکان پرسیدن سوالات و قرار دادن وقت برای تصمیم گیری به بزه دیدگان ارائه شود (سماواتی، ۱۳۸۴).

<sup>۱</sup>. procedural mechanisms.



## ۸-۱ وظایف دستگاه قضائی در مقابل زنان بزه دیده

بدون شک اولین وظیفه، تدوین قوانین لازم برای پیشگیری از بزه دیدگی است. در اینجا بحث های پیشگیری ریشه ای، پیشگیری وضعی، پیشگیری کیفری و ... مطرح می شود. زدودن فقر از صحنه اجتماع، تشویق و ترغیب به زندگی خانوادگی سالم، فراهم آوردن امکانات مشاوره ای لازم برای خانواده ها، آموزش خانواده ها و توصیه های لازم برای روابط سالم افراد با یکدیگر و موارد دیگر. برای افرادی که استعداد، توان و پتانسیل بزه دیدگی را دارند یک سلسله حد و مرزها، موانع و سدهایی را قرار داد تا اینها در معرض بزه دیدگی واقع نشوند یا حتی المقدور سعی کرد تا آسیب ها کاهش یابند. وقتی زنی سرپرست خانواده خودش را از دست می دهد، مدیریت نان آور خانه را از دست می دهد، اگر دولت در جهت تأمین نیازهای اقتصادی او گام بردارد، اگر تحت حمایت اقتصادی دولت قرار نگیرد، امکان اینکه در معرض بزه دیدگی واقع دارد وجود دارد. حال اگر به هر دلیل قوانین و تدابیر پیشگیرانه ای ما کافی نبود و فرد به هر دلیل در معرض بزه دیدگی واقع شد، در اینجا ما به عنوان دستگاه قضایی چه وظیفه ای را به عهده داریم؟ اولین وظیفه دستگاه قضایی این است که دستگاه قضایی باید بزه دیده را نسبت به نقش و امکاناتی که در اختیار دارد نسبت به فرآیند دادرسی و مسائل قضایی آگاه کند. در اینجا مشاوره قضایی می تواند به بزه دیده کمک شایانی بکند، به او بگوید که تو می توانی از این حقوق خودت اینگونه دفاع کنی. دومین وظیفه دستگاه قضایی تسریع در فرآیند دادرسی است، نباید جریان دادرسی طول بکشد و فرد به حقتش نرسد، سومین وظیفه این است که علاوه بر اینکه باید به بزه دیده بگوئیم تو حق وکیل گرفتن داری، تو می توانی بر اساس مشورت و همراهی وکیل حقت را بگیری به او وکیل هم بدهیم. اولین مسئله همدردی کردن با بزه دیده است، پذیرش این نکته تو به هر حال صدمه دیده ای و با مهربانی و ملاحظت کردن تا او خودش را بی پناه احساس نکند، ببیند که در دستگاه حکومتی یک جایی هست که با او همدردی دارد، همین خود نوعی تسکین برای فرد است. کم کم به محض اینکه پذیرفت که کسی هست که با او همدردی دارد، هم نوعی دارد، او را ترغیب به شیوه های غیر قضایی کنیم، او را ترغیب بکنیم به عفو و گذشت، او را تشویق بکنیم به اینکه از شیوه های غیر کیفری و حتی غیر حقوقی بحث جبران بزه دیدگی خود را جبران کند. همچنین وظیفه دستگاه قضایی این است که از تعیین مهلت های بی مورد در زمینه حل منازعات خودداری کند. البته گفتیم که یک نهادی که در ابتدای کار قضایی بسیار مهم است و ماهیت قضایی هم ندارد، نهاد مشاوره است. این مشاوره علاوه بر مشاوره روان شناختی و تربیتی، مشاوره کیفری و حقوقی را هم به فرد ارائه می دهد، در اینجا هنر ما ترغیب فرد به سمت راههای غیر کیفری است. دستگاه قضایی باید برای بزه دیدگان در طول دادرسی کمک های مطالبه شده آنها را فراهم بیاورد، دستگاه قضایی باید تدابیر لازم را برای رفع یا کاهش مشکلات بزه دیدگان اتخاذ کند، در صورت نیاز از زندگی خصوصی آنها حمایت کند. امنیت خودشان، امنیت خانواده شان، امنیت شهودشان را تأمین کند و علاوه بر اینها، آنها را از مقابله به مثل و انتقام باز دارد. صدور حکم مناسب نیز یک وظیفه دیگر دستگاه قضایی است. امروزه متأسفانه برای پاره ای از صدمات روانی و روحی راهکار جبرانی نمی بینیم. بله اگر ضربه ای به جسم فرد وارد شد خوب به حسب اینکه از چه نوع باشد، دیه ای برای آن مقرر کرده ایم، اما صدمات روحی و صدمات روانی و معنوی همچنان مبهم است. پس از صدور حکم مناسب، قطعیت در اجرای آن از جمله اموری است که می تواند بزه دیدگی فرد را التیام بخشد. دستگاه قضایی با سرعت با دقت با قاطعیت و با نوعی همه جانبه گری و با یک نوعی مشاوره کافی می تواند در جهت ترمیم بزه دیدگان گام بردارد و عدالت را به جامعه بازگرداند؛ اما مسأله ای که بسیار مهم است این است که در قانون مجازات اسلامی به بحث خسارات معنوی و روانی آن توجه نشده است. گرچه به خسارت جسمی و خسارات مالی توجه شده است اما به خسارت های روحی و خسارت روانی توجه نشده است (حاجی ده آبادی، ۱۳۸۵).

## ۹- نتیجه گیری

بزه دیده در حقوق کیفری با عناوینی چون مجنی علیه و یا شاکی مورد توجه قانونگذار قرار گرفته و در متون فقهی نیز به زیان دیده از جرم، به طور کلی، مجنی علیه اطلاق می شود ولی در هر جرم زیان دیده اصطلاح خاص خود را دارد مثل مسروق منه در سرقت و مجروح و مقتول در جرائم علیه اشخاص. بزه دیده شناسی بدون هیچ بحث و تردیدی شاخه‌ای از جرم شناسی به شمار می رود، بزه دیده شناسی به هر مسأله‌ای که مربوط به بزه دیده باشد توجه می کند: شخصیت بزه دیده، ویژگی‌های زیست‌شناختی، روان‌شناختی و اخلاقی او، مشخصه‌های اجتماعی- فرهنگی اش، روابطش با مجرم و بالاخره مشارکتش در وقوع جرم. جرم شناسی در سده اخیر دو مرحله اساسی را پشت سر گذاشته است دکتر نجفی ابرند آبادی در تحلیل این دو مرحله، مرحله اول را مرحله علت شناسی جنایی (Criminal Etiology) و مرحله دوم را مرحله جرم شناسی واکنش اجتماعی (Social Reaction Criminology) می نامد. نقش دیگر بزه‌دیده قربانی شدن یا متضرر شدن از جرم (Victimization) است. البته قربانی مستقیم جرم چون معمولاً به دنبال جبران خسارت خویش است لذا برای رسیدن به حق خویش از هیچ کار فرو گذاری نمی کند و به همین دلیل بر دستگاه قضایی فشار می آورد تا حق خویش را بگیرد و به همین خاطر از سوی سیستم قضایی مورد بررسی بیشتری قرار می گیرد تا بهتر بتواند رضایت بزه‌دیده را جلب کند؛ اما قربانی غیر مستقیم به دلیل ضعف در احساس مسئولیت و کم توجهی به حق اجتماع مدافعی ندارد هرچند قدرت در دست دولت است اما تا راهکار درستی برای استفاده از آن برای احقاق حقوق جامعه نباشد در این امر موفق نخواهد بود. لذا وجود مدعی العموم و دادستانی که از حق اجتماع دفاع کاملی کند در جامعه لازم است در این زمینه اسلام ولی فقیه و حاکم شرع را پیشنهاد داده است که چون عادل و مدیر و مدبر است به خاطر احساس وظیفه در این امر اهتمام جدی خواهد داشت؛ اما آنچه در جرم شناسی مورد مطالعه عمیقتری قرار گرفته و در مورد آن بیشتر بحث شده بزه‌دیده مستقیم جرم است. زنان بیشتر در نقش بزه دیده مراجعه کننده نظام عدالت کیفری اند. به همین دلیل، بررسی جایگاه زنان بزه دیده در سطوح مختلف حقوق کیفری - اعم از حقوق کیفری ماهوی و شکلی - اهمیتی بسزا دارد. به نظر می رسد که قانون گذاران کیفری در رویارویی با زنان بزه دیده، در سیاست جنایی قانون گذارانه خود از سه رویکرد متفاوت سود جسته اند: ۱. زن بزه دیده هیچ تأثیری بر نوع حمایت و تضمین های قانونی (مقرر برای همه) نداشته و زنان نیز مانند مردان از حمایت های یکسان در حقوق کیفری بهره مند شده اند (اصل برابری)؛ ۲. جنسیت بزه دیده (زن بودن) سبب شده است که قانون گذار کیفری بنا به دلایل خاص جرم شناسانه و حقوق بشری، به فراهم کردن حمایت ها و تضمینات قانونی ویژه و متفاوت با مردان از زنان بزه دیده در حقوق کیفری ماهوی و شکلی مبادرت کند (تبعیض مثبت)؛ ۳. در برخی از موارد، زن بودن بزه دیده سبب شده است که قانون گذار کیفری وی را از حمایت کیفری و قانونی یکسان با مردان مرحوم سازد. در واقع، جنسیت بزه دیده (زن بودن) به منزله عاملی برای حمایت کیفری کمتر از او تبدیل شده است. امروزه، حقوق کیفری زنان به منزله یک مسئله حقوق بشری در جهان مورد توجه است. نگاهی هرچند گذرا به اسناد مهم بین المللی حقوق بشری عام و خاص نشان می دهد که رویکرد نخست یعنی رعایت اصل برابری در حمایت از زن و مرد بزه دیده بیشتر مورد تأکید قرار گرفته است (مواد ۲ و ۷ اعلامیه جهانی حقوق بشر، ماده ۳ میثاق بین المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی و ماده ۲۶ میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی) و هرگونه اعمال تبعیض بر اساس جنسیت نفی شده است. ولی، این موضوع بدین معنا نیست که رویکرد دوم (حمایت ویژه از زنان بزه دیده) جایگاهی در اسناد حقوق بشری بین المللی نداشته باشد (هرچند این سیاست در این اسناد بسیار کم رنگ است). برای نمونه، بند ۲ ماده ۱۰ میثاق حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی بر حمایت خاص از مادران در مدت معقولی پیش و پس از زایمان تأکید می کند. ولی، در اسناد خاص حقوق بشری درباره زنان - مانند کنوانسیون رفع همه شکل‌های تبعیض علیه زنان - با وجود تصریح به برابری حقوق زن و مرد، بیشتر مواد کنوانسیون در مواد چندی بر حمایت ویژه موقت (تبعیض مثبت) بویژه حمایت از مادران تأکید کرده است (مواد ۴ و ۶). رویکرد سوم یعنی تبعیض منفی جایگاهی در اسناد پیش گفته ندارد. اصل بیستم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران نیز به حمایت قانونی برابر از زن و مرد با رعایت موازین اسلامی تصریح کرده است. حقوق کیفری ایران در رویارویی با زنان بزه دیده به هر سه رویکرد پیش گفته توجه کرده و این مسئله در حقوق کیفری

ماهوی نمود بیشتری داشته است. در برخی از موارد، قانون گذار کیفری ایران با جرم انگاری برخی از رفتارهای خاص که زنان بیشتر از رهگذر آنها بزه دیده می شوند (مانند مواد ۶۱۹ و ۶۲۲ قانون مجازات اسلامی)، به حمایت کیفری ویژه از زنان بزه دیده اقدام کرده و گاه با حمایت کیفری کمتر از زنان در برابر مهم ترین جرمهای علیه تمامیت جسمی مانند قتل، قطع عضو و ضرب - و - جرح (مواد ۲۰۹ و ۲۱۰ و ۲۷۳ و ۳۰۰ قانون مجازات اسلامی)، رویکرد تبعیض منفی را اتخاذ کرده است. در موارد بسیاری نیز قانون گذار اصل برابری را رعایت کرده است. ولی، در مورد حمایت قانونی و ویژه از زنان بزه دیده در فرآیند کیفری، خلأهای فراوانی وجود دارد. زیرا، زنان بزه دیده در ایران از شرایط اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی مناسبی برای ورود به فرآیند کیفری و ادامه آن بهره مند نیستند. یافته های جرم شناسی و بزه دیده شناسی نشان داده اند که برخی از افراد و گروهها مانند زنان به دلیل ویژگی های خاص زیستی و اجتماعی بیش از دیگران در معرض خطر بزه دیدگی قرار دارند. مسئله بالا بودن رقم سیاه مجرمیت در خشونت های خانگی نیز آسیب پذیری زنان را در درون خانواده تشدید می کند. با توجه به شرایط و ویژگی های جامعه ایران و این واقعیت که به هر حال مردی که زن خود را در وضعیت رابطه جنسی با مرد بیگانه ای میبیند، ممکن است تحریک و تهییج شده و برای حفظ شرف و حیثیت خود در آن حال دست به عمل مجرمانه ای اعم از ضرب و جرح و حتی قتل بزند، قانون گذار می تواند آن را از کیفیت های مخفیه به حساب آورده و مجازات اعدام را در مورد وی اعمال نکند. ولی، این مسئله مستلزم آن است که قانون گذار نخست تلاش کند تا برای اعمال بند ۲ ماده ۲۲ قانون مجازات اسلامی در مورد قصاص و عدم انحصار آن به مجازات های تعزیری و بازدارنده راهی پیدا کرده و توجیهی بیابد. نکته ای که قانون گذار همیشه باید به آن توجه کند، این است که تا حد امکان از دادن مجوز اجرای عدالت به افراد عادی پرهیز کند. در غیر اینصورت، حقوق و آزادی های افراد به شدت تهدید خواهند شد.

## منابع

۱. آخوندی، حمید. (۱۳۷۶). سیاست جنایی سازمان ملل متحد، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران مرکز، ص ۶
۲. آقازاده، علیرضا. (۱۳۸۱). سیاست جنایی تقنینی ایران در قلمرو قاچاق گمرکی، نشر پیک سبحان، چاپ اول، ص ۷.
۳. توجیهی، عبدالعلی. (۱۳۷۷). جایگاه بزه دیده در سیاست جنایی ایران، رساله دکتری در رشته حقوق جزا و جرم شناسی، به راهنمایی روانشاد مهدی کی نیا و علی حسین نجفی ابرند آبادی، دانشگاه تربیت مدرس، ص ۲۴.
۴. حاجی ده آبادی، علی. (۱۳۸۵). تقریرات سلسله مباحث جرم شناسی جنایی، دانشگاه آزاد اسلامی اراک.
۵. رایجان اصلی، مهرداد. (۱۳۸۱). بزه دیده در فرایند کیفری، چاپ اول، انتشارات خط سوم، ص ۱۵۴ و ۱۵۵.
۶. سماواتی، پیروز. (۱۳۸۴). عدالت ترمیمی، چاپ اول، بهار ۱۳۸۴، انتشارات خلیلیان، ص ۵۷.
۷. عالمی، زهرا. (۱۳۷۵). سیاست جنایی و گرایش پیشگیری آن در سازمان ملل متحد، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران مرکز، ص ۴۱.
۸. لازرژ، کریستین. (۱۳۸۲). درآمدی به سیاست جنایی، ترجمه علی حسین نجفی ابرند آبادی، انتشارات میزان، چاپ اول، ۸۲، ص ۳۱.
۹. لواسور، ژرژ. (۱۳۷۲). سیاست جنایی، ترجمه علی حسین نجفی ابرند آبادی، مجله تحقیقات حقوقی، شماره ۱۱.

## Legislative criminal policy against the victimization of women

Atefeh. Laali<sup>1</sup>, Shahla Moazzami<sup>2</sup>

*1 Master of Law, University of Payam Noor, Science, Research and Technology, Tehran, Iran*

*2 Doctor of Law, Tehran University, Science, Research and Technology, Tehran, Iran*

---

### Abstract

The result of investigations and research that is done with experience penal system, legislative, shows, women more than men are at risk of victimization, because in terms of costs and benefits, that in crime is also true, criminals are more willing than put women in the position of the victim, by physical force and physical ability to cope with less than men. Despite the fact that in many countries, the actions to deal with the victimization of women and support them as well is done but yet the Penal Code is mainly based on social roles of men and less attention to women has been developed, and the criminal law in Iran, is no exception. Sometimes according to equality principle the difference between the victim and women is not observed, in a few cases with positive discrimination in favor of the victim her face and in some cases, the woman as the victim, deprived him of criminal protection and a negative discrimination against women. This need an integrated policy in this area is required. In many cases the legislator has observed the principle of equality. But, on the legal protection of women victims in the criminal process, there are many gaps. Because victims women in Iran have no benefit of economic, social and cultural benefit for the criminal process and continuing of it.

**Keywords:** victims, women, criminal protection, criminal policy.

---